

## آشر گینزبرگ: بانی صهیونیسم فرهنگی<sup>۱</sup>

بهاره ضمیری جیرسرای<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

نوری سادات شاهنگیان<sup>۳</sup>

دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

### چکیده

جریان صهیونیسم دارای گرایش‌های مختلف و محصول شرایط و احوال متفاوت یهودیان اروپای شرقی و غربی در سده ۱۹ میلادی است. صهیونیسم فرهنگی یا روحانی از جمله این گرایش‌ها است. فهم ماهیت و موضوع صهیونیسم فرهنگی و نیز روش و اهداف آن در گرو بررسی اندیشه‌های بنیان‌گذار آن - آشر گینزبرگ مشهور به احدهاعام - متفکر یهودی در اروپای شرقی است. مقاله حاضر با مروری بر بیوگرافی احدهاعام، شاخص‌ترین اندیشه‌های او را برای تأسیس صهیونیسم فرهنگی، مورد بررسی قرار داده است. مهم‌ترین برنامه‌های او برای نیل به این هدف، احیاء روحانی و فرهنگی قومیت یهود با استفاده از راه‌کارهایی چون تأسیس مرکز فرهنگی، ایجاد نظام آموزشی با تکیه بر زبان و ادبیات عبری و بهره‌گیری از تلاش نخبگان در راستای تحقق این هدف بود. شناخت دیدگاه‌های احدهاعام که از جمله منتقدان صهیونیسم سیاسی به‌شمار می‌رود، با توجه به تأثیر این جریان در روند وقایع عصر حاضر، حائز اهمیت است. در واقع شناخت صهیونیسم فرهنگی موجب شناخت بهتری در مورد جریان صهیونیسم می‌شود و این‌که صهیونیسم تنها شامل تفکرات سیاسی نیست بلکه برنامه‌ها و اندیشه‌های دیگری را نیز دربردارد.

### کلیدواژه‌ها

آشر گینزبرگ (احدهاعام)، صهیونیسم، فرهنگ، احیاء.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): baharehzamiri@yahoo.com

۳. پست الکترونیک: n.s.shahangian@yahoo.ac.ir

## مقدمه

صهیونیسم جریانی ملی‌گرایانه بود که در قرن نوزدهم میلادی، در دوره‌ای که احساسات ناسیونالیستی در سراسر جهان رو به افزایش بود، در میان یهودیان اروپا پدید آمد. بانی این جریان بازگشت به ارض موعود را تنها راه حل شرایط زیستی دشوار و موقعیت‌های متزلزل سیاسی یهودیان پراکنده در سرزمین‌های دیگر می‌دید. در اندیشه صهیونیستی هویت یهود بیش از آن‌که فرهنگی یا دینی باشد، هویتی ملی بود و لذا دیدگاه ادغام یهودیان را در سایر ملل یا فرهنگ‌ها بر نمی‌تابید. در حالی که جریان نوپای صهیونیسم بر زیستن قوم یهود - به عنوان شخصیتی سیاسی - در موطن خود تأکید می‌کرد؛ یهودیان ممالک شرق و غرب اروپا درباره این تأکید دیدگاه‌های مختلفی داشتند. یهودیان غرب اروپا که در فضای روشنگری می‌زیستند، به لحاظ رواج اندیشه آزادی و برابری در آن جوامع، چندان مدافع تحقق آرمان‌های ملی‌گرایانه در سرزمین دیگر نبودند. اما در میان یهودیان اروپای شرقی میل به بازگشت به فلسطین بیشتر دیده می‌شد؛ چراکه پایه‌های اعتماد ایشان بر مللی که یهودیان در میان آن‌ها می‌زیستند، چندان مستحکم نبود.<sup>۱</sup> از دیگر سو طلوع اندیشه‌های ناسیونالیستی در میان اقلیت مردم روسیه، اتریش و مجارستان، مثالی برای یهودیان بود تا ایجاد نوعی هویت یهودی را در دنیای مدرن بپذیرند. از این رو، برخی یهودیان اروپای شرقی از صهیونیسم به مثابه رسانه‌ای سکولار برای بیان و اظهار احساسات یهودی خود استقبال کردند. آن‌ها در عین داشتن تمایلات اجتماعی در جست‌وجوی جریانی بودند که بر زبان و ادبیات عبری و ترویج فرهنگی بیش از جنبه‌های دینی تمدن یهودی تأکید نماید.

در عین حال شمار زیادی از یهودیان اروپای شرقی نیز مذهبی و خواهان جایگاه محوری دین در جریان صهیونیسم بودند. آن‌گاه که جهت‌گیری جریان صهیونیستی سازمان یافته نشان داد که این نهضت بر معضلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند، صهیونیست‌های دینی یا مذهبی از بیم آن‌که این جریان ویژگی‌های یهودی خود را از دست دهد، دست از حمایت آن برداشتند. پس از همان اوایل پیدایی جریان طیف گسترده‌ای از گرایش‌ها و جناح‌های مختلف پدید آمد. این گرایش‌ها مشتمل بر صهیونیسم انقلابی،

1. Karesh, Sara, *Encyclopedia of Judaism*, New York, Facts on File, An Imprint of Infobase Publishing, 2006, pp.571-572.

اجتماعی، سیاسی، دینی، مسیحایی و فرهنگی بود.

صهیونیسم مسیحایی و سیاسی چنین اظهار می‌کرد که وجود میهن یهودی باید یهود را قادر سازد تا مانند دیگر مردم دنیا شود. بانی اصلی آن - تئودور هرتزل - هم‌چنین معتقد بود که این هدف به واسطه ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی و جامعه‌گرایی فراچنگ می‌آید. این عقیده قدرت خود را با ایجاد فضای یهود ستیزی از دست داد.

صهیونیسم دینی بر شریعت یهود تأکید می‌کرد و معتقد بود که هسته هر دولت یا کشور مستقل یهودی باید هلاخا باشد. در موطن پیشنهادی این فرقه ربی‌ها حاکم بر حیات یهودیان و تعیین‌کننده همه آیین‌ها، رسوم و شرایع بودند.

صهیونیسم اجتماعی بر موطن جدیدی تأکید می‌کرد که سازمان آن بیشتر بر محور اصول اجتماعی باشد تا اصول مکان خود را به نحو مثبتی در جهان تغییر دهد.

صهیونیسم فرهنگی (معنوی) در پی هویت بخشی و تعمیق خودآگاهی یهودیان چه در فلسطین و چه در خارج آن بود و برنامه‌هایی را برای احیاء وضعیت نامناسب یهودیان ارائه می‌داد. آشر گینزبرگ مشهور به احدهاعام، متفکر یهودی در اروپای شرقی از جمله مدافعان این قسم از تفکر صهیونیستی بود.<sup>۱</sup>

مقاله حاضر با مروری بر زندگی آشر گینزبرگ، فعالیت‌های فرهنگی او، رابطه‌اش با دین یهود و نیز اهم آثار وی، به بیان ماهیت، موضوع، روش و هدف صهیونیسم فرهنگی پرداخته است. در این راستا مهم‌ترین اندیشه‌ها و برنامه‌های احدهاعام برای تأسیس صهیونیسم فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در زمینه موضوع محوری مقاله اثری به زبان فارسی موجود نیست. آثار فارسی به‌طور عمده به گرایش سیاسی صهیونیسم پرداخته‌اند و می‌توان گفت دیگر گرایش‌های صهیونیستی تقریباً از نظر نویسندگان فارسی زبان مغفول مانده است. در میان منابع انگلیسی نیز تا آن‌جا که نگارنده امکان دسترسی داشته است، آثار زیادی که به‌طور خاص به جریان صهیونیسم فرهنگی و شخص احدهاعام پرداخته باشد، یافت نشد. عمده منابع بطور کلی جریان صهیونیسم و ملی‌گرایی را در یهود مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله پژوهش‌های انجام شده در زمینه صهیونیسم فرهنگی و به خصوص نظریات احدهاعام می‌توان به کتابی از لئون سیمون با عنوان *بیوگرافی احدهاعام*

1. Ibid, p.571.

آشر گینزبرگ اشاره کرد که ناشری یهودی در آمریکا در سال ۲۰۰۲ آن را به چاپ رسانده است. در این کتاب به زندگی خانوادگی احدهاعام، سفرهای وی و نقد او بر اسکان یهودیان در فلسطین پرداخته شده است. اثر دیگر مقالاتی برگزیده از خود اوست که توسط همین نویسنده ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲ در آمریکا توسط همان ناشر به چاپ رسیده است. این اثر از حیث در اختیار قرار دادن بی‌واسطه دیدگاه‌های او حائز اهمیت است. مجموعه مقالاتی نیز درباره وی توسط کورنبرگ در آلبانی و در سال ۱۹۸۳ به چاپ رسیده است که در شمار دیگر منابع این تحقیق قابل ذکر است.

### ۱. آشر گینزبرگ (احدهاعام)

احدهاعام عبارتی عبری و به معنای یکی از عموم مردم، نامی است که آشر گینزبرگ نویسنده روسی بدان معروف شد.<sup>۱</sup> او که به عبری می‌نوشت خودش را نه نویسنده بلکه فقط یکی از آحاد مردم می‌دانست که عقیده‌اش را درباره موضوعاتی بیان می‌کرد.<sup>۲</sup>

#### ۱.۱. بیوگرافی

احدهاعام در ۱۸ آگوست سال ۱۸۵۶ در اسکویرا<sup>۳</sup> در ایالت کیو<sup>۴</sup> متولد شد. این منطقه جزء امپراتوری روسیه و واقع در اوکراین کنونی است که از پایگاه‌های امن حسیدیزم بوده و کمتر از جریان روشنگری اثر پذیرفته بود. احدهاعام فرزند ارشد خانواده ای حسیدی و در عین حال کمتر دچار افراط بود. ۱۲ سال اولیه زندگی او در زادگاهش سپری شد، جایی که آن را ناحیه تاریک می‌نامید.<sup>۵</sup> در این دهکده بود که پدر او به یک پیرو تام فرقه حسیدیزم

۱. مسیری، دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، تهران، نشر دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ج ۶، ۱۳۸۳ش، ص ۳۳۷.

2. Shimoni, Gideon, *The Zionist Ideology*, University Press of New England, 1995, p.105.

3. Skvyra

4. Kiev

5. Pasachoff, Naomi, *Links in the Chain, Shapers of the Jewish tradition*, Oxford University Press, 1997, p.166.

مبدل شد و در پی آن نیز احدهای عام منتقد کامل حسیدیزم و یهودیت سنتی گشت.<sup>۱</sup> در سه سالگی به هدر<sup>۲</sup> فرستاده شد تا خواندن تورات و شروح آن را یاد بگیرد. او در سنین پایین رسماً متون و اندیشه یهودی را مطالعه کرد و تبدیل به یک محقق تلمودی<sup>۳</sup> حرفه‌ای و دانش‌آموز ادبیات حسیدیزم شد.<sup>۴</sup> در ۸ سالگی با وجود منع والدین خواندن روسی را یاد گرفت. پدرش از سن ۱۱ سالگی برای او معلم خصوصی گرفت و بعدها این مطالعات را بی‌مساعدت دیگران ادامه داد. در سن ۱۲ سالگی به دلیل جداشدن از حسیدیزم خود به مطالعه کتاب مقدس و ادبیات عبری قرون وسطی اقدام کرد. عطش آگاهی بیشتر او را شخصاً به مطالعه ادبیات هسکالا نیز کشانید. تا سن ۱۵ سالگی به فراگیری تلمود پرداخت و در ۱۶ یا ۱۷ سالگی برای تحقیقات ربی شهرتی بدست آورد.<sup>۵</sup> هم‌چنین به فلسفه یهودی قرون وسطایی خصوصاً فلسفه ابن میمون علاقمند بود. بررغم تنفرش از عقاید و خرافات حسیدیزم، تقوا و میهن‌پرستی شدید حسیدی، ایمان معنوی به قوم یهود و اتصال مدام به موطن کهن را حفظ کرد.<sup>۶</sup>

در سال ۱۸۸۶ قانون روسی جدید مبنی بر منع یهودیان بر اجاره زمین آن‌ها را مجبور به نقل مکان کردن به ادسا<sup>۷</sup> یعنی مرکز تفکر صهیونیستی کرد و در آنجا بود که او قادر به پیگیری ایده‌های فلسفی شد.<sup>۸</sup> وی با تشویق و کمک همسر خود توانست نظرات و مسائلی را که ذهن او را درگیر کرده بود، مورد ملاحظه قرار داد. ادسا غربی‌ترین و سکولارترین شهر روسیه بود. او در این شهر با متفکران روشنگر یهودی و صهیونیست‌های اولیه دیدار و با جنبش ملی یهودی و ادبیات عبری آنان کاملاً آشنا شد. این جنبش «عشاق صهیون»<sup>۹</sup> نام

1. Almong, Shnuel & Reinharo, Jehuda & Shapira, Anita, *Zionism & Religion*, Brandeis University Press of New England, 1998, pp.62-63.

۲. Heder: مدرسه ابتدایی یهودی به منظور فراگیری تورات و دیگر کتاب‌ها.

۳. متون محوری یهودیت ربی

4. Karesh, p.6.

5. Simon, Leon, *Ahad Ha`am Asher Ginzberg: a Biography*, verda books, Skokie, Illinois USA, Jewish publication of America, 2002, p.10.

6. Ibid, pp.10-19.

7. Odessa

8. Karesh, p.7.

9. Hovevei Zion or Hibbat Zion

داشت و احدهام یکی از اعضای کمیته مرکزی این جنبش گردید.<sup>۱</sup> او در سن ۲۰ سالگی ضمن آموختن و کاوش در اندیشه سکولار اروپایی، به مطالعه آثار معاصر در حوزه تاریخ، فلسفه اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرداخت.<sup>۲</sup> با روی آوردن به کتاب‌های ممنوعه روشنگری عبری مدرن به پوزیتیویسم روسیه علاقه‌مند شد و ایمان دینی را از دست داد.<sup>۳</sup> تسلط به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسه و انگلیسی وی را به مطالعه اشعار و آثار ادبی و تمرکز بر موضوعات انسانی کشانید که از متافیزیک برایش مطلوب‌تر بود. در سن ۲۵ سالگی توانست به دانشگاه برود، اما به علت روحیه ضعیف و عدم اعتماد به نفس به خانه بازگشت.<sup>۴</sup>

او در جست‌وجوی تحصیل دانشگاهی به برسلو<sup>۵</sup> (بزرگ‌ترین شهر در لهستان غربی) و به برلین، وینا<sup>۶</sup> (لیتوانی فعلی) و پزینگ<sup>۷</sup> (شهری در آلمان) رفت، اما در این شهرها نیز به نتیجه مطلوب نرسید. او با روش‌های مدرن به بررسی گذشته یهود پرداخت. مطالعاتش را در چندین پایتخت اروپایی دنبال کرد، اما توفیقی در پی نداشت.<sup>۸</sup>

در سن ۳۳ سالگی او اولین مقاله‌اش را به نام «این راه نیست»<sup>۹</sup> منتشر کرد. در سال ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲ دوبار از فلسطین دیدن کرد. در فاصله سال‌های ۱۸۹۶-۱۹۰۲ ویراستار ماهنامه هاشیلوا<sup>۱۰</sup> بود و از همین طریق امرار معاش می‌کرد. بعدها او از این سمت استعفا داد و به عنوان کارمند شرکت چای ویزوتسکی<sup>۱۱</sup> به اروپا مسافرت کرد و در سال ۱۹۰۷ در لندن اقامت گزید. او در آن‌جا به مدت ۱۴ سال اقامت کرد و در سال ۱۹۲۱ لندن را به قصد

1. Ibid, pp.32-33.

2. Shimoni, p.104.

3. Hertzberg, Arthur, *The Zionist Idea, a Historical Analysis & Reader*, Jewish publication society, 1930, p.249.

4. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.26-29.

5. Breslau

6. Vilna

7. Pezing

8. Cohen, Mitchell, *Zion & State, Nation, Class & the Shaping of Modern Israel*, Columbia university press, 2003, p.6.

9. This is not the way.

۱۰. Hashiloo: نام چشمه‌ای در فلسطین که آب آن به آرامی حرکت می‌کند. مهم‌ترین روزنامه اروپای

شرقی برای تفکر صهیونیستی و ادبیات عبری می‌باشد.

11. Wissotzky Tea

تل آویو<sup>۱</sup> ترک گفت.<sup>۲</sup> احدهاعام به دلیل بیماری در تل آویو اقامت گزید. آن گونه که تصور می شد بیماریش بهتر نشد. به نظر می رسید بیماریش بیشتر روانی باشد تا یک بیماری جسمی خاص. سرانجام او در ساعات اولیه دوم ژانویه سال ۱۹۲۷ در تل آویو درگذشت و در جایی که که اکنون گورستان قدیمی تل آویو نام دارد به خاک سپرده شد.<sup>۳</sup>

### ۲.۱. تأثرات فکری و رابطه با یهودیت

تأثیر اندیشه های پوزیتیویستی متفکران روسی چون پیسارو<sup>۴</sup> بر آشر گینزبرگ قابل ملاحظه بود او پوزیتیویسمی را که توسط متفکران روسی مطرح شده بود، مطالعه کرد و آن را با ایده های اخلاقی اخلاق گرایان انگلیسی ادغام نمود.<sup>۵</sup> اعتماد او به تفکر پوزیتیویستی به منظور اخذ علم و دانش از علوم تجربی به جای براهین مجرد متافیزیکی بود. وی علاوه بر پوزیتیویسم مجذوب تفکر آگوست کنت<sup>۶</sup> (پدر علم جامعه شناسی) گردید و تحت تأثیر فلاسفه تجربی بریتانیا و اخلاق گرایانی مثل جان لاک،<sup>۷</sup> دیوید هیوم،<sup>۸</sup> جان استوارت میل<sup>۹</sup> قرار گرفت.<sup>۱۰</sup> به ویژه او مجذوب ایده های مردمی هربرت اسپنسر<sup>۱۱</sup> شد. در این ایده ها آموزه های داروین درباره جریان تکامل به عنوان اصل ساختاری همه حقایق به کار می رفت. چنین مفاهیمی، فهم احدهاعام را از بقای یهودی در گذشته و چشم اندازهایش در آینده به دنبال داشت. این ایده ها موجب شکل گرفتن تفکراتی در احدهاعام گردید؛ مثل اراده جمعی برای زیستن و عقاید دین یهود به عنوان دستورالعملی برای این اراده و نه علت آن. هم چنین این ایده ها موجب شد تا او ملت را بخش فرهنگی و حیاتی گسترده تر از دین

1. Tel Aviv

2. Hertzberg, p.250; Karesh, p.7.

3. Hertzberg, p.251.

۴. Dmitry Pisarev (1840-1868): نویسنده رادیکال روسی و منتقد اجتماعی و محرک انقلاب

دموکراتیک در روسیه در دهه ۱۸۶۰ بود. او هم چنین حامی علوم طبیعی روسی بود.

5. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.30-35.

6. Auguste Comte

7. John Locke

8. David Hume

9. John Stuart Mill

10. Shimoni, p.270.

11. Herbert Spencer

تلقی کند و دین را تابع فرهنگ بداند و لذا فهم او از یهود نه بر اساس متعالی سنت که بر مبانی سکولار استوار شد. گفته می‌شود که شیوه احدهاعام در آشتی میان ارزش‌های یهودیت و فرهنگ سکولار شیوه‌ای متأثر از ابن میمون بوده است که او را قهرمان برتری عقل بر وحی می‌دانست.<sup>۱</sup>

دغدغه اصلی احدهاعام حفظ ساختار زندگی یهودی در جامعه مدرن بود، گرچه در جامعه‌ای که او برای یهود در نظر داشت هیچ عنصر دینی به چشم نمی‌خورد. این جامعه بیشتر جنبه ملی داشت تا دینی که در آن فرد نه با مدل‌های سنتی دینی، بلکه با هویت ملی و فرهنگی زندگی می‌کرد. احدهاعام چون دیگر صهیونیست‌های سکولار بود در عین رد دین یهود سنتی، از دین برای ایجاد ایده‌آل‌های بشردوستانه که تأکید بر صلح و آرامش داشتند، بهره می‌جست.<sup>۲</sup> او یهودیت سنتی و ارتدکس را چیزی اساساً کهنه می‌دانست و در عین حال یک فرهنگ یهودی مدرن سکولار را که بر پایه میراث تاریخی سنت یهودی بنا شده باشد را ضروری می‌دانست.<sup>۳</sup>

### ۳. ۱. فعالیت‌های فرهنگی

احدهاعام علاوه بر سردبیری و ویراستاری ماهنامه هاشیلوا<sup>۴</sup> اقدام به تأسیس مرکز چاپ و نشریه‌ای به نام *هایاساف*<sup>۵</sup> کرد. او با نوشته‌هایش، نشرعبری را از تنگنایی که در زمان جنبش روشنگری گرفتار آن شده بود، رهانید.<sup>۶</sup> او برای تأثیر در احیاء ملی، پروژه دایرة المعارف عبری را آغاز کرد. این دایرة المعارف به عنوان منبع تلمودی قدیمی است که نقطه نظرات عبری و سازگاری آن با ایده‌ها و روش‌های جست‌وجوی دوباره تاریخی را بیان می‌کند.<sup>۷</sup>

1. Simon, p.17; Hertzberg, p.52.

2. Eisen, Robert, *the Peace & Violence of Judaism from the Bible to modern Zionism*, oxford University Press, 1960, pp.199-200.

3. Abramson, Glenda, *Encyclopedia of Modern Jewish Culture*, Routledge Taylor and Frantis Groupe, USA, 2005, vol.I, p.10.

4. Achiasaf

۵. مسیری، دایرة المعارف یهود، "یهودیت و صهیونیسم"، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های

تاریخی خاورمیانه، تهران، نشر دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳ش، ج ۶، صص

۳۳۷ و ۳۴۱.

6. Ginzberg, Asher, *Selected Essays*, Leon Simon (trans.), Philadelphia: the Jewish publication society of America, 1912, p.36.



احدهاعام در سال ۱۸۸۹ رهبرانجمنی بنام انجمن «فرزندان موسی»<sup>۱</sup> شد. این انجمن در واقع انشعابی از گروه عشاق صهیون بود که بر ارزش‌های معنوی تأکید زیادی داشت.<sup>۲</sup> احدهاعام بیان کرد که این گروه باید با رفتارفضیلت‌مندانه تکیه گاه و الهام بخش یهودیان در همه جا باشد.<sup>۳</sup> احدهاعام اولین مدرسه عبری دخترانه را در یافا و نیز مدارس عبری بسیار دیگر را تأسیس کرد. در اواخر عمر و سکونت در تل آویو دانشگاه عبری را تأسیس کرد و آن را مرکز اشاعه فرهنگ یهودی و آزادی دین یهود از رکود فکری دانست. او حتی قبل از صهیونیسم سیاسی هر تسل به اصلاح ایده فلسطین آن طور که توسط پینسکر، رهبر جنبش عشاق صهیون تدوین شده بود، پرداخت.<sup>۴</sup> با مقاله «این راه نیست» احدهاعام به صف اول صهیونیسم روسیه کشیده شد و رهبر کسانی گردید که در جست‌وجوی مبنای معنوی عمیق‌تر و از نظر عملی منسجم‌تر برای ملی‌گرایی یهودی بودند. از سال ۱۸۹۷-۱۸۸۹ او نظریه‌پرداز برجسته جنبش روسیه شد. بعد از مرگ هر تسل او مرجعی ایده‌آل شد و این مرجعیت بر دستاورد ادبی‌اش در احیاء شعر عبری مدرن و انسجام آن متکی بود.<sup>۵</sup> او در جنبش صهیونیستی هم بخاطر دفاعش از فرهنگ در مقابل سیاست و نیز پافشاری بر لزوم مفاد اخلاقی برای صهیونیسم با تمرکز محوری بر احیاء زندگی یهودی شهرت یافت.<sup>۶</sup>

#### ۴.۱. تأثیرپذیران

مارتین بوبر<sup>۷</sup> (۱۸۷۸-۱۹۶۵): از مبلغان پرشور صهیونیسم فرهنگی با رویکرد دینی و عرفانی. او شاگرد اصلی احدهاعام و مفسر مقاله‌های عبری او در اروپای غربی بود.<sup>۸</sup>

1. (Bnei Moshe Sor) sons of Moses

۲. فرسای، محسن، *براندازی صهیونیستی در امپراتوری عثمانی*، تهران، نشر هلال، ۱۳۸۸ش، ص ۴۸.

3. Almong & Reinharo & Shapira, p.60.

4. Dubnow, M., Simon, *History of the Jews in Russia & Poland*, vol.III: From the Accession of Nicholas II Until the Present Day, I. Friedaender (trans.), Varda Books, Skokie, illinoise, USA, 2001, p.49.

5. Kornberg, Jacques, *At the Crossroads: Essays on Ahad Ha'am*, state university of New York press, Albany, p.xv.

6. Abramson, vol.I, p.10.

7. Martin Buber

8. Kornberg, p.xv.

حییم وایزمن<sup>۱</sup> (۱۸۷۴-۱۹۵۲): از رهبران حزب دموکرات بود که احدهاعام را به عنوان نمادی فرهنگی در جنگشان با هر تسلا به کار گرفتند و عقاید او را جدای از سازمان صهیونیستی پذیرفتند. احدهاعام را معلم روحی و عقلانی وایزمن دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

مناخیم (مناحم) مندل اوسشکین (۱۸۶۳-۱۹۴۱): رئیس کمیته ادسا که بر سر مسأله اوگاندا و دیگر مسائل، از سرسخت‌ترین مخالفان هر تسلا و عمیقاً متأثر از تعالیم احدهاعام بود.<sup>۳</sup>

هوگو برگمن<sup>۴</sup> (۱۸۸۳-۱۹۷۵): رهبر صهیونیستی روسی، رئیس دارایی ملی یهودی و پایه‌گذار حلقه پاراگوئه که شاخه‌ای خاص از صهیونیسم فرهنگی بود. او هم از فرضیات اساسی احدهاعام بهره برد و هم مانند او خود را پیامبر نسل یهودیان می‌دانست.<sup>۵</sup>

مردخای کاپلان<sup>۶</sup>: او به‌طور زیادی متأثر از احدهاعام بود و صهیونیسم را به عنوان جنبشی کلی و یکپارچه تصور می‌کرد که موفقیتش در فلسطین اعضای تمدن یهودی در آمریکا را تقویت خواهد کرد. او به عنوان متفکری یهودی عمیقاً درگیر صهیونیسم فرهنگی شد.<sup>۷</sup>

هانس کوهن<sup>۸</sup>: او این بینش را که صهیونیسم جنبشی برای احیاء فرهنگی و معنوی یهودیت است، پذیرفت؛ بینشی که احدهاعام و مارتین بوبر مبلغ آن بودند.<sup>۹</sup> از دیگر شاگردان احدهاعام کاپیتان ژابوتینسکی<sup>۱۰</sup> و روتنبرگ<sup>۱</sup> یکی از استوانه‌های فعال صهیونیسم

1. Chaim Weizman

2. Shimoni, pp.282-3.

3. Cohen, p.70.

4. Samuel Hugo Bergman (1833-1975)

5. Spector, Scott, *Prague Territories; National Conflict and Cultural Innovation in Franz kafka's Fin de sie'cle*, University of California press, 1959, pp.135, 140, 154.

6. Mordecai kaplan (1881-1983)

7. Pianko, Noam, *Zionism & the Roads not Taken*, Rawidowicz, Kaplan, Kohn, Bloomington Indian University Press, 2010, pp.203-205.

۹. Hans Kohn (۱۸۹۱-۱۹۷۱): فیلسوف و مورخ آمریکایی یهودی که در پاراگوئه زاده شد. در سازمان

صهیونیستی کار کرد و نوشت. او چندین کتاب در زمینه ملی‌گرایی، تفکر آلمانی و یهودیت نوشت. هم‌چنین بیوگرافی را درباره مارتین بوبر منتشر کرد. او رهبر برجسته گروه بریت شلوم بود.

9. Pianko, pp.135-136.

10. Vladimir Ze'ev Jabotinsky

و شاگرد احدهاعام بودند.<sup>۲</sup>

### ۵.۱. آثار

دستاورد ادبی احدهاعام در ۴ جلد کتاب با نام بر سر دو راهی و ۶ جلد نامه‌ها گرد آمده است که او در پایان عمر موفق به ویرایش آن‌ها شد.<sup>۳</sup> به رغم شهرت احدهاعام به عنوان چهره‌ای متفکر، او هیچ اثر تحقیقی مهمی ننوشت.

### نامه‌ها

احدهاعام تعداد زیادی از نامه‌هایی را که برای نواحی و موقعیت‌های مختلف در طول کار فعالانه‌اش نوشته بود به پیشنهاد یکی از دوستان قدیمش، به‌طور گزینشی گردآوری و منتشر کرد. حدود ۱۷۰۰ نامه را که از ۱۸۹۶ در ماهنامه هاشیلواح منتشر شده بود، در خلال سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۵ در چهار مجلد گردآوری کرد. اکثر نامه‌ها به عبری نوشته شده بود. در پیشگفتار جلد اول این اثر، احدهاعام نامه‌های این مجموعه را دارای ارزش خاص دانسته است. گیرنده نامه‌ها بیشتر رهبران جنبش عشاق صهیون و نویسندگان عبری و بسیار مشهور دوران احدهاعام بودند. این نامه‌ها دارای موضوعات متنوع است. از فلسفه ابن‌میمون گرفته تا خرید زمین در فلسطین برای اقامت یهودیان.<sup>۴</sup>

### خاطرات

این اثر حاوی اطلاعاتی از دوران اولیه زندگی احدهاعام است و نگارش آن چند سال بعد از اقامت احدهاعام در ادسا در سال ۱۸۸۶ شروع شد. او در این اثر هدف نوشتن خود را این‌گونه بیان می‌کند: «به اقتضای نیاز خود، گاهی اوقات باید از دنیا روی گردانده و با خود

۱. Pinhas Rutenberg (۱۸۷۹-۱۹۴۲): مهندس، تاجر و فعال سیاسی روسی بود و در دو انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ نقش داشت.

۳. نویهض، عجاج، پروتکل‌های دانشوران صهیون برنامه عمل صهیونیسم جهانی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

3. Pasachoff, p.167.

4. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.271-273.

تنها می‌شدم و به این دلیل خود شروع به تکرار خاطرات کردم». به دلایل نامعلوم این نوشتن در بیشتر دوران زندگی‌اش ادامه نیافت. بعد از مدتی که چشمه خاطرات او خشکید دوستانش از او خواستند پاسخ سؤالات مشخصی را که آن‌ها ترتیب داده‌اند، بدهد. به این دلیل عدم ارتباط و انسجام میان بخش‌های کتاب مشهود است. هم‌چنین میان بخش‌های پسین و پیشین این اثر اختلاف تاریخی دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

### بر سر دو راهی (مقالات)

این اثر در اوایل دهه ۱۸۹۰ نوشته شده است. عنوان آن بیانگر اعتقاد نویسنده است مبنی بر این‌که که قوم یهود به نقطه عطفی در تاریخ خود رسیده‌اند و زمان آن فرارسیده که تصمیم بگیرند آیا آن‌ها می‌خواهند به مبارزه برای موجودیت خود ادامه دهند یا دست از مبارزه بردارند؟ اکثر مقالات موجود در این اثر حول محور وقایع جاری یا مباحثات گرد آمده است. با بررسی مقالات اصلی این اثر می‌توان به خطوط فکری اصلی احدها اعلام درباره مسائل زندگی یهودی و یهودیت و فلسفه کل زندگی که لایه زیرین آن است دست یافت.<sup>۲</sup>

### ۲. صهیونیسم فرهنگی

#### ۱. ۲. ماهیت و موضوع

این شاخه از صهیونیسم که به آن صهیونیسم قومی سکولار یا صهیونیسم معنوی نیز گفته می‌شود جریانی صهیونیستی است که به یهودیان از منظر هویت، خودآگاهی و معنای وجود می‌نگرد. این اعتقاد که دین یهود فقط یکی از ابعاد قومیت یهودی است، عنوان سکولار را توجیه می‌کند. در واقع ملت یهود دارای هویت مقدس و وحدتی چون اعضای یک جسم است و اساس این وحدت و انسجام عمل تاریخی یا روح ملت است.<sup>۳</sup> از دید صهیونیسم فرهنگی منشأ وحدت ملت یهود، نه مذهب و دین یهود که روح ملی این قوم است؛ روحی که از اعصار گذشته در همه مصائب و مشکلات تازمان حاضر باقی مانده است.

این شاخه از صهیونیسم بر مسأله فرهنگ ملی یهودی تمرکز داشته و فلسطین را به

1. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, p.6.

2. *Ibid*, pp.95-96, 180.

۳. مسیری، ج ۶، صص ۳۱۹-۳۲۰.

عنوان مرکزی برای احیاء زندگی یهودی می‌شناسد. از این مرکز، فرهنگ ملی یهودی به اکثر یهودیان ساکن در کشورهای بیگانه، تابیده و منعکس می‌گردد در نظر صهیونیست‌های فرهنگی قلب احیاء ملی یهودی، احیاء فرهنگی است.<sup>۱</sup> این صهیونیسم بیش از هر چیز خواهان یک زندگی عینی و هماهنگ است که با ویژگی واقعی روح عبری مرتبط باشد. «آنچه ضروری است، حفظ استمرار تجلی روح یهودی است. با فشار شرایط بیرونی، روح از تجلی‌اش باز می‌ماند. در عصر مدرن و تحت شرایط جدید، اتحاد فیزیکی قوم یهودی به‌طور جدی با تجزیه و انحلال تهدید می‌شود. این تأثیرات منفی، یهودیان را از اعضای مرتبط یک پیکر به تعدادی اعضای بی ارتباط و مجزا بدل می‌سازد و قدرت حیاتشان را تضعیف می‌کند. پس در این وضعیت آن چیزی که بیشتر از همه نیاز است، تأسیس نیرویی مقابله‌کننده است که بتواند قدرت و مقاومت قوم یهودی را ارتقا دهد به حدی که آن‌ها قادر به متفی ساختن این فروپاشی و انحلال باشند. این نیروی مقابله‌کننده قادر به احیاء اتحاد معنوی این قطعات پراکنده است، اما تکامل معنوی نیازمند زندگی هماهنگ است ... تا بتواند ویژگی‌های اصلی قوم یهود را متجلی کند».<sup>۲</sup>

## ۲.۲. روش و هدف

در دورانی که زندگی یهودی دستخوش تغییرات بسیار شده بود، مسأله بقای یهودیت و یهودیان دغدغه اصلی آشر گینزبرگ گردید. او برای حل این مسائل، صهیونیسم معنوی یا فرهنگی را پیشنهاد کرد. این سازمان قادر بود الهام‌بخش یهودیان و راهنمای ادغام شده در میان افراد کشورهای دیگر و خصوصاً نسل جدید یهودیان باشد.<sup>۳</sup> او در پی تأسیس نوعی جامعه خودمختار یهودی در فلسطین بود که به تدریج و براساس عشق و ایمان نخبگان فکری یهود بنا شود؛ نخبگانی که ملهم از فرهنگ تاریخی قوم خود هستند. هدف او از احیاء یا مدرن شدن فرهنگ سنتی یهودی توانمند ساختن این فرهنگ برای هم زیستی با عصر جدید بود. از نظر احدهاعام مسأله ملی واقعی جامعه یهودی، تضمین احیاء روح و

1. Pianko, p.16; Cohen, p.62.

2. Simon, *Studies in Jewish Nationalism*, pp.82-84

3. Idem, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, p.xi.

فرهنگ ملی در جهان مدرن است.<sup>۱</sup> به همین دلیل آشر گینزبرگ پیشنهاد تأسیس مرکزی را برای ملت یهودی مطرح کرد تا هویت یهودی بتواند خود را از طریق آن با مبانی امروزی مطرح و اثبات کند. شعار صهیونیسم فرهنگی آن بود که میهن صهیونیستی باید مبدل به مرکز احیاء قومیت یهودی گردد. این صهیونیسم اگرچه نوعی انقلاب تلقی می‌شد، اما هرگز از خطرات مثبت فرهنگ دینی جدا نشد. گرچه روش آن سکولار بود، اما ایجاد یک فرهنگ ملی جدید معتبر برپایه یهودی را آرزو می‌کرد.<sup>۲</sup> این نوع صهیونیسم به رویکردهای سیاسی یا اقتصادی توجهی نداشته و درگیر تبیین خودآگاهی و معنای وجود بود. رسالت صهیونیسم فرهنگی درمان مشکلات معنوی یهودیان و خلق خودآگاهی یهودی و پاکسازی اندیشه صهیونیستی از مفاهیم ادغام در ملل دیگر و همانندی با اقوام دیگر و نیز تعمیق مفهوم ملت یهود با اصرار بر هویت یهودی بود.

### ۳. اندیشه‌های آشر گینزبرگ

#### ۳.۱. احیاء معنوی

یکی از دلایل مطرح شدن ایده احیاء معنوی از سوی احدهاعام، رهاسازی ملت از نوکرمآبی و بردگی روحی آنها بود. از این رو، برای این کارفرایند تغییر آرام و طولانی نیاز بود تا استحکامات درونی ارتقا یابد و تقویت شود.<sup>۳</sup> جریان احیاء و بازسازی اگرچه جریانی آرام و تدریجی بود، اما احدهاعام مطمئن بود که تأثیری حتمی بر قلب و ذهن یهودیان پراکنده در ممالک دیگر می‌گذاشت.<sup>۴</sup> او درباره ضعف‌های اقتصادی و فرهنگی اولین ساکنان یهودی در این کشور نوشت و بحث کرد که اگر فرهنگ یک ملت زنده باشد، آن ملت احیاء می‌شود.<sup>۵</sup> وی در پاسخ به این سؤال که آیا در ابتدا یهودیت باید در نظر گرفته شود یا یهودیان؟ بیان می‌کند: «ما باید ابتدا شأن خاصی به یهودیت بدهیم. پس از آن آشفتنگی یهودیان متوقف گشته و چرخش آنها از مسائل مادی در پی خواهد بود؛ زیرا زمانی که دین

1. Hertzberg, p.35.

2. Eliade, Mircea, *The Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan publishing company, vol.15, p.574.

3. Kornberg, pp.xxii, 44.

4. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.296-297.

5. Abramson, vol.I, p.10.

یهود به موطن اصلی‌اش باز می‌گردد، احساس و علاقه اصلی و واقعی نسبت به اورشلیم در همه یهودیان حتی کسانی که در امن‌ترین وضعیت‌اند، اعاده می‌شود.<sup>۱</sup> احدهاعام بیان می‌کند که در قرن ۱۸ یهودیان بی‌خانمان مورد تنفر و آزار و مروج کالاهاى مادى و معنوى جهان بودند. ابتدا درگتوهای تنگ جا داشتند و بعد به جهان بزرگ‌تر با فرهنگ بیگانه برده شدند. این تراژدی سستی و ناتوانی آشکار روح عبری را در جهان امروز نشان می‌دهد. این روح عبری در طول همه این قرون به خستگی و کسلی تمایل پیدا کرده است. راه حل این بحران در احیاء روح قرار دارد.<sup>۲</sup> در ایده احیاء معنوی، صفت معنوی معنای گسترده‌تری از واژه انگلیسی **Spiritual** دارد. کاربرد روح توسط او هر چیز غیر فیزیکی چون غریزه، احساسات، آرزوها در زندگی بشر را شامل می‌شود. فاکتورهایی را که از نظر ما معمولاً به حوزه روانی تعلق دارند، از نظر او درجه معنویت آن‌ها کمتر از افکار و ایده‌ها و فعالیت‌های عقلی و الهامات اخلاقی نیست.<sup>۳</sup> او نظریه روح قومی یا ویژگی ملی را بسط داد و آن را نیروی محرک اصلی و مستقل در تاریخ یهودی و منبع کلی قدرت خلاقه یهودی دانست. دین، زبان، افسانه‌های قومی و اجدادی و اخلاق همه محصول این روح قومی هستند. از نظر او این روح بعد از قرن‌ها بی‌وطنی، تبعید و حصار، سخت و متحجر شده بود در نتیجه خلاق‌ترین اذهان که به‌واسطه غرب‌گرایی جان گرفته‌اند، جماعت یهود را ترک کردند. زمانی که یک فاجعه فرهنگی رخ می‌دهد، اولین وظیفه ملی‌گرایی یهودی، احیاء روح ملی آن قدرت خلاقه و متحد کردن دوباره یهودیان براساس یک نسخه ملیتی مدرن با ریشه یهودی است. فرهنگ یهودی در پراکندگی، فرهنگ اقلیتی تحت سلطه روانی و سیاسی اکثریت بیگانه خواهد بود. کسانی که در فلسطین هستند با فرهنگ و سیاست یهودی احیا شده می‌توانند در ارتباطی مستقیم با واقعیت‌های زندگی، روح ملی یهودیان را به شکل حیاتی سابق‌اش برگردانند و آن را دوباره در آن مسیر اصلی بشریت وارد کنند. افراد به‌واسطه احساسی فطری و غریزی به روح ملی متصل می‌شوند؛ چیزی فراتر از استدلال که از لحظه خلقت در فرد نهاده شده است.<sup>۴</sup> او می‌گوید: «راز ایستادگی قوم ما این است که در همان

1. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.105-106.

2. Ginzberg, Asher, pp.28-30.

3. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.287, 292.

4. Kornberg, pp.xvi, xvii, xix, xx.

دوران اولیه، پیامبران به مردم می‌آموختند که تنها به قدرت روح حرمت نهاده و قدرت مادی را پرستش نکنند. بنابراین برخلاف دیگر ملت‌های روزگار باستان، قوم یهود هیچ‌گاه این عزت نفسشان را حتی رو در روی دشمنان قدرتمند از دست ندادند. تا زمانی‌که ما بر این اصل ایمان داشتیم، اساس هستی و وجود ما پایه‌ای امن بود. از این رو، ما نباید این عزت نفس را از دست دهیم، زیرا ما از نظر معنوی پایین‌تر از هیچ ملتی نیستیم». به نظر او ایده تجدید و احیاء ضروری بود. این ایده می‌توانست خرابی و انهدامی را که به واسطه آزار و شکنجه و تحقیر ایجاد شده بود، مرمت کند. این گفته از اوست که: «ما باید به ایده تجدید حیات ملی، قدرت و جانی تازه بخشیم و از هر معنای ممکن برای تقویت پایه‌ها و عمیق کردن ریشه‌های آن استفاده کنیم تا این‌که این ایده، نیرویی پویا و مستقل و عنصری اصیل در آگاهی یهود تبدیل گردد. تنها به این روش، روح یهودی می‌تواند بی آن‌که بهایی برای آزادی و نجات بپردازد و هویت خود را قربانی کند، از موانع رهیده و ارتباطی دوباره با جریان حیات بشری برقرار سازد».<sup>۱</sup>

### ۲.۳. به‌کارگیری نخبگان

از نظر احدهام عمل احیاء ملی از یهودیان منضبط و متحدی که دارای انگیزه‌های اخلاقی باشند، ساخته بود؛ کسانی که به نوعی پیامبرگونه برای اصلاح جهان عینی و واقعی تلاش کنند. چنین افرادی در مقام پایه‌گذاران این ایده ملی باید بتوانند با تمرکز بر روی حیات معنوی خویش، همه زندگی خود را وقف آن کرده و نهایت توان خود را در خدمت آن بکار گیرند. این نخبگان با کار و تلاش بی وقفه موجب می‌شوند آرمان احیاء ملی به نحوی با ثبات‌تر در قلب مردم ریشه دواند و باعث شود تا وجدانی که منجمد و افسرده گشته است، بی اندازه صبور گردد. این افراد نسبت به دینی که به مردم دارند حساس بوده و امیدوارند تا با آموزش تدریجی آزادی و عدالت حاصل آید. از نظر آشر گینزبرگ توده مردم برای ارتقای میزان آرزو و اشتیاقشان به هدف والا نیازمند نخبگانند. این تنها نیازهای مادی توده مردم نیست که آن‌ها را محتاج حکومت می‌کند بلکه آرمان‌های مهم دیگری نیز دارند که به واسطه افراد برگزیده و نخبه به مرحله عمل می‌رسد. این اقلیت نه به طریق حکومتی،

1. Hertzberg, p.255.



بلکه به روش فرهنگی و الگو بودن در پی تحقق آرمان قوم هستند. این‌ها با ایجاد حس هم‌دردی موجب توجه قوم به وضعیت ملی و سرزمین اجدادی شان می‌شوند. صهیونیست‌های حقیقی همین اقلیت بودند که در پی رستگاری یهودیان با ایجاد شرایط اخلاقی و فرهنگی کار و تلاش می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۳.۳. ایجاد نظام آموزشی

احدهاعام به ایجاد نظام آموزشی که در خلال آن تغذیه فرهنگ قومی بر همه افراد ملت ممکن شود و تأثیر آن در زندگی و افکار فردی و اجتماعی آنان مشهود شود، معتقد بود. او می‌گفت: «پایه‌گذاری مدرسه یادگیری یا هنر در فلسطین از مستملکات و سکونت‌گاه‌های زراعی ما را به هدف نزدیک‌تر می‌کند. چنین مستملکاتی چیزی بیش از آجر و خشت نیست و به خودی خود نمی‌تواند به مثابه نیرویی محوری قادر به شکل‌دهی زندگی جدیدی برای همه مردم باشند، اما یک مؤسسه آموزشی بزرگ در فلسطین می‌تواند کل مردم را دوباره جوان و شاداب سازد. او می‌اندیشید که چون اکثر یهودیان هنوز به نوعی سنت‌گرا بوده و شمار روشن‌فکران اندک است، از این رو، این آموزش آن‌ها را به نحوی تحت تأثیر مدرنیته قرار می‌دهد. پس در حیطة آموزش تلاش بسیار کرد. به عقیده احدهاعام آموزش و یادگیری زبان عبری و مطالعه یهودیت کلید بقای یهودیان در پراکندگی بود. رشد مدارس یهودی در طول زمان می‌توانست میوه‌ای را به بار می‌آورد که آن، نگرش جدید یهودیان نسبت به میراثشان بود. وی بر این عقیده بود که آن‌ها با مطالعات خود در می‌یابند که قلمروی یهودیت فراتر از مراسم و تعالیم دینی است.<sup>۲</sup> راه حل فوری مسائل حال و آینده یهود از نظر او، رجوع به میراث معنوی‌شان یعنی زبان و ادبیات عبری بود. زبان عبری برای او هم وسیله بود هم پیام. او معتقد بود که روح ملت در زبانش تعبیه شده است و بیان کرد: «زمانی که زبان بمیرد، روح ملت نیز می‌میرد و هرگز احیاء نمی‌شود و برعکس زمانی که عبری بمیرد ملت یهود نیز نمی‌تواند احیاء شود و دچار مرگ می‌شود.»<sup>۳</sup> به عقیده او زبان محفظه وسیعی از فرهنگ و معانی است و واژگان آن تاریخ معنوی و قوه ذهنی ملی را

1. Kornberg, pp.xxi, xxii, xxiv, 94.

2. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.xxvi, xvii, xvi.

3. Kornberg, pp.12-14, 20.

منعکس می‌کند. زبان پلی به درک روح ملی است، زیرا افکار و روح مردم آن‌ها را ترغیب به انتخاب واژگان برای بیان مقاصدشان می‌کند. زبان هم با حرکت ملت در زمان و هم با پیشرفت روح ملت درهم تنیده شده است. احدهاعام بیان می‌کند که در فقدان سرزمین معین و زندگی مشترک، تنها مایه پیوند قوم یهود زبان است. «ما کمتر آثار و بقایایی داریم، تنها زبانمان نشان از زندگی می‌دهد. پس هرکس که تمایل به دوباره زنده ساختن فرهنگ یهودی دارد، باید به زبان توجه کند. زبان روح را منعکس کرده و هم‌چنین باعث پیشرفت و ترقی آن می‌شود. از طریق زبان، فرهنگ ملت می‌تواند احیاء شود و هویتش منسجم گردد. این احیاء فرایند اجرایی صرف نیست». ادبیات عرصه زبان حقیقی است پس اگر «خواهان احیاء زبان باشی باید در احیاء ادبیات بکوشی و ادبیات نیز با تزریق تفکرات تازه زنده می‌گردد».<sup>۱</sup> خواست احدهاعام صرفاً مطالعه زبان و ادبیات عبری و نوعی پیگیری باستان‌شناسانه، آن‌گونه که در درون و بیرون گتوها دنبال می‌شد، نبود. غرض او مطالعه‌ای بود که منجر به احیاء روح عبری می‌شد. او به منظور اتصال گذشته و حال، خواهان انجام برنامه‌های فرهنگی به منظور آگاهی افراد بود.<sup>۲</sup>

### ۴.۳. تأسیس مرکز فرهنگی

احدهاعام به تأسیس مرکز فرهنگی یهودی در فلسطین برای هدایت فکری یهودیان سراسر دنیا بدون وجود حاکمیتی ملی در آن معتقد بود.<sup>۳</sup> این مرکز معنوی بر زندگی درونی فرهنگی و معنوی یهودیان پراکنده در سرزمین‌های دیگر تأثیر داشت. به‌علاوه مطالعه، تفکر، فعالیت‌ها، تمایلات ادبی، زیبایی‌شناختی، ایده‌های اخلاقی، دینی، الهامات و رفتارشان را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. تنها تأثیر روحی می‌توانست درک آن‌ها را از اتحاد بالا برده و ظرفیت و مصالحی برای زندگی یک یهودی فراهم آورد. از نظر او تأثیر مرکز، وجدان ملی یهودی را تقویت می‌کرد و استقلال ذهنی و عزت نفس را احیاء می‌نمود. علاوه بر آن

1. Chowers, Eyal, *The Political Philosophy of Zionism, trading Jewish Words for a Hebraic Land*, Cambridge University Press, 2012, pp.176-177.

2. Ginzberg, p.35-36.

۳. هرتسل، تتودور، دولت یهود، ترجمه ناصر پورحسین، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴ش،

برخلاف جایگزین‌هایی که امروزه برای پرکردن خلأها استفاده می‌شود، به یهودیان مفهوم و محتوایی ملی و اصیل می‌داد. او این تأثیرات را جدا از تأثیر روانی نمی‌دانست. به نظر او تقویت وجدان یهودی همراه با احیاء یهودیت بود و این‌که همه این پیشرفت‌ها بدون محرک‌های عاطفی قوی امکان‌پذیر نیست. او معتقد بود: باید در کنیسه ابتدا مطالعه و یادگیری یهودیت باشد و بعد نماز. او انتظار داشت که این مرکز معنوی ملی و دل‌بستگی یهودیان در پراکندگی به آن، کنیسه را از عملکرد صرفاً دینی رها ساخته و آن را با الگوی جدید زندگی یهودی متناسب سازد. به عقیده او کشش مرکز ملی، ذرات پراکنده جامعه یهودی را به هویت و نهاد منفرد و یگانه با ویژگی مشخص و خودکفا تبدیل می‌کند.<sup>۱</sup>

مرکزی معنوی که کل یهودیان با قدر و احترام و علاقه به آن توجه خواهند کرد، مرکز تورات و یادگیری زبان و ادبیات، کار فیزیکی و اخلاص یهودی و ریزنگاره‌ای واقعی از قوم یهود آن‌گونه که باید باشد، است. فرایند ساخت این مرکز خود بخشی از تجدد ادبی و فرهنگی ملی است و بیشتر از همه نیاز است که صهیونیسم در کنار آن‌چه در فلسطین انجام می‌گیرد، درگیر کار فرهنگی و آموزشی گسترده در مناطق یهودی‌نشین دیگر شود.<sup>۲</sup> احدهامام هیچ توضیحی در باره سازوکارهای ایجاد مرکز معنوی نداد و هیچ برنامهٔ سیاسی را مطرح نکرد و از این رو موضوع ابهام‌آمیز باقی ماند.

### نتیجه

صهیونیسم فرهنگی از جمله گرایش‌ها در جریان صهیونیسم بود که یهودیان را از منظر هویت نگرینست. دغدغه اصلی بانی این شاخه از صهیونیسم -آشر گینزبرگ- فرسودگی جامعه سنتی یهود در دوران مدرن و مجهز نبودن یهودیان در مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه بود. هدف اصلی او مدرن شدن فرهنگ سنتی یهود برای هم‌زیستی با عصر جدید بود. وی دین یهود را تنها یکی از جنبه‌های حیات یهودیان دانست و معتقد بود که وحدت ملی آن‌ها، نه منبعث از دین و مذهب؛ بلکه ناشی از روح ملی ایشان است. از این رو اولین وظیفه ملی‌گرایی یهودی را احیاء روح ملی دانست که از نظر او در گرو احیای فرهنگی

1. Simon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, pp.293-296.

2. Shimoni, pp.110-111.

بود، جنبه‌ای که در صهیونیسم سیاسی مغفول مانده بود. او معتقد بود که فلسطین می‌تواند مرکزی معنوی و ملی برای احیای قومیت یهود و انعکاس میراث فرهنگی ایشان باشد. این مرکز می‌توانست افراد را قادر سازد تا خود را از بردگی درونی پاک ساخته و به یک نهاد ملی و روح واحد متصل کنند. هم‌چنین باور داشت که یهودیان بی آن‌که مجبور به مهاجرت یا اسکان در این کشور باشند، از این طریق می‌توانند هویت خود را با مبانی مدرن اثبات کنند. وی تأثیر معنوی این مرکز بر یهودیان سراسر جهان را به‌واسطه حضور و تلاش نخبگان امکان‌پذیر دانست. نخبگان مورد نظر او یهودیانی متحد و برخوردار از انطباق بودند که آرمان‌ها و اندیشه‌های اخلاقی ایشان را بر می‌انگیخت تا به نحوی پیامبرگونه برای اصلاح جهان عینی و واقعی تلاش کنند. آشر گینزبرگ معتقد بود که با ابزارهای فرهنگی مانند ایجاد نظام آموزشی، با تکیه بر زبان و ادبیات عبری و تأسیس مرکز فرهنگی می‌توان روح عبری را احیاء نموده و به یهودیان آگاهی بخشید.

## منابع

- فرسای، محسن، *براندازی صهیونیستی در امپراتوری عثمانی*، تهران، نشر هلال، ۱۳۸۸ش.
- مسیری، عبدالوهاب، *دایرة المعارف یهود*، "یهودیت و صهیونیسم"، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخی خاورمیانه، تهران، نشر دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ج ۶، ۱۳۸۳ش.
- هرتسل، تنودور، *دولت یهود*، ترجمه ناصر پورحسین، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴ش.
- نویهض، عجاج، *پروتکل‌های دانشوران صهیون برنامه عمل صهیونیسم جهانی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۳ش.

- Abramson, Glenda, *Encyclopedia of Modern Jewish Culture*, vol.I, Routledge Taylor and Frantis Groupe, USA, 2005.
- Almong, Shnuel & Reinharo, Jehuda & Shapira, Anita, *Zionism & Religion*, Brandeis university press of New England, 1998.
- Chowers, Eyal, *The Political Philosophy of Zionism, trading Jewish words for a Hebraic land*, Cambridge university press, 2012.
- Cohen, Mitchell, *Zion & State, Nation, Class & the Shaping of Modern Israel*, Columbia university press, 1992.
- Dubnow, M., Simon, *History of the Jews in Russia & Poland*, vol.III: From the Accession of Nicholas II Until the Present Day, I. Friedaender (trans.), Varda Books, Skokie, illinoise, USA, 2001.

- Eliade, Mircea, *The Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan publishing company, vol.15, 1907, 1908.
- Eisen, Robert, *The Peace & Violence of Judaism from the Bible to Modern Zionism*, oxford university press, 1960.
- Shimoni, Gideon, *The Zionist Ideology*, university press of New England, 1995.
- Ginzberg, Asher, *Selected Essays*, Leon Simon (trans.), Philadelphia: the jewish publication society of America, 1912.
- Hertzberg, Arthur, *the Zionist Idea*, a Historical Analysis & Reader, Jewish publication society, 1930.
- Kornberg, Jacques, *At the Crossroads: Essays on Ahad Ha'am*, state university of New York press Albany, 1983.
- Pasachoff, Naomi, *Links in the Chain, Shapers of the Jewish tradition*, oxford university press, 1997.
- Pianko, Noam, *Zionism & the Roads not Taken*, Rawidowicz, Kaplan, Kohn, Bloomington Indian university press, 2010.
- Simon, Leon, *Ahad Ha'am Asher Ginzberg: a Biography*, verda books, Skokie, Illinois USA, Jewish publication of America, 2002.
- Idem, *Studies in Jewish Nationalism*, London, 1920.
- Spector, Scott, *Prague Territories; National Conflict and Cultural Innovation in Franz kafka's Fin de sie`cle*, university of California press, 1959.